

۱۷ خرداد ۱۳۹۸ - شماره: ۱۲۱

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

اصلاح سبک زندگی در پرتو حاکمیت
امام مهدی علیه السلام

نویسنده مقاله:
لیلا منتظر المهدی

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و
لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



مدتی است چند پرسش مهم ذهنم را به خود درگیر کرده است:

- بحران‌های فرهنگی، مفاسد اخلاقی، بیماری‌های روانی و اختلالات رفتاری در جهان اسلام از کجا می‌آید؟

- چه عاملی در گسترش نگران‌کننده‌ی این معضلات نقش اصلی را ایفا می‌کند؟

- چه چیزی موجب شده امروز روان‌شناسان - به درستی - نگرانی بسیاری نسبت به تیپ‌های شخصیتی مخرب و آسیب‌رسان داشته باشند و آن‌ها را تحت عنوان «افراد سمّی» طبقه‌بندی کنند؟

- چرا گرداگرد بشر را افراد حسود، خودپرست، متظاهر، بدخواه، فریب‌کار، عیب‌جو، خودشیفته، سخن‌چین و دروغگو فراگرفته است؟!

- این سموم انسانی مهلک از کجا می‌آیند و این انسان‌های مسموم‌گر از کجا تغذیه می‌شوند؟!

- چه فرایندی آن‌ها را تولید کرده و جامعه را به آن‌ها مبتلا نموده است؟!

- چگونه فرد و جامعه را از این سموم‌کشنده مصون کنیم یا کسانی که به آن مبتلا شده‌اند را مداوا نماییم؟!

...

آری، امروز جوامع اسلامی پر شده است از افراد و گروه‌هایی که وجودشان به مثابه‌ی نوعی سم خطرناک برای روح و روان انسان است. همان قدر که سم‌زدایی از بدن، سلامت جسمانی و تبعاً افزایش بهره‌وری را به همراه دارد، سم‌زدایی از روح، روان، فکر و ذهن نیز لازم است؛ چراکه هم سلامتی جسم را ضمانت می‌کند و هم آفت‌هایی را که خود را به شکل و شمایل انواع احساسات مخرب درآورده‌اند و موجب بروز لطامات جبران‌ناپذیری می‌شوند از ریشه می‌خشکاند و این محقق نمی‌شود مگر با شناخت کامل ریشه‌های آن‌ها و اقدام آگاهانه و به موقع.

مسلم است که برای از بین و بُن‌کندن این آفت‌ها، دوری گزیدن یا فرار کردن از عوامل بیماری، کفایت نمی‌کند و راهکار اصلی به شمار نمی‌آید؛ بلکه ما نیاز به یک راهکار اساسی داریم تا فرآیند سم‌زدایی از کالبد جامعه، به شکل کامل انجام شود.

به نظر می‌رسد پاسخ همه‌ی سؤال‌هایی که در صدر مطلب به آن اشاره کردم در دو چیز نهفته است: تربیت و سبک زندگی. منظور از این دو مفهوم، روحیات، ذهنیت‌ها، رویکردها و نوع نگرش ما به محیط پیرامون و بالأخره اتخاذ روشی مشخص درباره‌ی تمام امور و مناسباتی است که در متن زندگی ما جریان دارد و ما را به خود مشغول کرده است؛ از عمیق‌ترین مسائل تا سطحی‌ترین امور؛ از جمله مسئله‌ی خانواده و کسب و کار، شیوه‌ی ازدواج، نوع مسکن، خوراک، پوشاک، تفریحات و الگوی مصرف، نوع گویش، آرایش و آداب و رسوم و... همان سبک زندگی و نوع تربیت است که اگر دقیق و صحیح انتخاب شود، موجب سلامت و سعادت فرد و جامعه خواهد شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که سبک زندگی، به مثابه‌ی ظرف و بستر است و تربیت، به مثابه‌ی مظلوف و محتوا؛ همچنانکه تربیت را می‌توان به دانه‌ای تشبیه کرد که برای رشد و تکاملش در فرد نیاز به بستری مناسب و آماده دارد.

لکن ما امروز در میان مسلمانان، تربیت اسلامی و سبک زندگی صحیحی نمی‌بینیم؛ زیرا دولت‌ها، رسانه‌ها، مطبوعات، نهادهای آموزشی، مراکز فرهنگی، انجمن‌های مردم‌نهاد و همه‌ی مجموعه‌هایی که ذهنیت‌های مردم را می‌سازند و تغییر می‌دهند، به کلی استقلال فکری و چارچوب‌های سنتی خود را از دست داده‌اند و با هجمه‌های گوناگون تبلیغی خصوصاً از سوی کافران و مستکبران و فاسقان، به التقاط و انحرافی عظیم دچار شده‌اند و بستری آفت‌خیز و پر فساد را آفریده‌اند که در آن هر تباهی و شرّی توقع می‌رود.

تردیدی نیست که اگر مسلمانان، سبک زندگی خویش را تحت تأثیر این حملات فرهنگی و بر مبنای تقلید از دیگران، تغییر نمی‌دادند و تربیت فاسقان و کافران را جایگزین تربیت اسلامی خویش نمی‌کردند، امروز جوامع اسلامی در منجلاب انحطاط اخلاقی و چالش‌های فرهنگی و بحران‌های اجتماعی دست و پا نمی‌زد و آمار بیماری‌های حادّ روانی و اختلالات مزمن رفتاری و انواع مصادیق بزهکاری و ناهنجاری تا این میزان در آن بالا نمی‌رفت.

لذا بدون شک، لازم است مسلمانان، سبک زندگی امروز خود را به سبک زندگی اسلامی نزدیک کنند و قوانین و قواعد شریعت الهی را بر آن حاکم کنند تا ضمن برخورداری از لذات و نعمات و مواهب حلال در زندگی دنیا، از آسیب‌ها و صدماتی که سبک زندگی غربی و غیر اسلامی در پی دارد، در امان بمانند؛ آسیب‌هایی چون بحران اخلاق و معنویت، احساس پوچی و میل به خودکشی، انحرافات افسارگسیخته‌ی جنسی، فروپاشی بنیان خانواده، انزوا و افسردگی و ...

نباید فراموش کرد که «سبک زندگی اسلامی» یک شعار کلی و نامفهوم نیست، بلکه نمونه‌های متعالی و موفق آن در صدر اسلام موجود است؛ نمونه‌هایی چون پیامبر گرامی اسلام و امیر مؤمنان علیهما السلام که فضایل اخلاقی و توفیقات فردی‌شان در کشورداری، تربیت شاگردان و سبک زندگی، بر تارک تاریخ می‌درخشد. از همین روست که خداوند متعال پیامبر اکرم را به عنوان الگوی رفتاری معرفی کرده و فرموده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب / ۲۱)؛ «قطعا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

اما روشن است که زندگی اسلامی جز در سایه‌ی حکومتی که از آن خدا باشد تأمین نمی‌شود و خداوند متعال حکومتش را تنها از طریق خلفایی که خودش برگزیده و معرفی کرده بر کل بشر اعمال می‌کند؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره / ۲۱)؛ همان گونه که از ابتدا به همین منوال بوده تا زمان خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از ایشان دوازده خلیفه از اهل بیت او که آخرینشان مردی هم نام پیامبر از نسل فاطمه و حسین است.

پس تعیین خلیفه برای حکومت اسلامی سنت لایتغیر الهی است. لذا طبق سنت جاری خداوند، خلیفه‌ی راستین و الگویی جامع و تمام عیار در این زمان فقط مهدی علیه السلام است که با حکومتش زمین از عدل و قسط پر می‌شود و زندگی به سبک اسلامی به معنای حقیقی‌اش جریان پیدا می‌کند تا هیچ کس در معرض آسیب و گزند قرار نگیرد.

بنابراین بر همه‌ی مردم دنیا به ضرورت عقل و بر مسلمانان به ضرورت عقل و شرع لازم و واجب است که زمینه‌ی ظهور و حاکمیت امام مهدی علیه السلام را فراهم سازند. می‌پرسید چطور؟ می‌گویم کافی است اراده کنید و کتابی که نقشه‌ی راه شما بر اساس عقل، قرآن و سنت متواتر در آن تبیین و تشریح شده را به دقت مطالعه نمایید.

در قلم حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی اعجازی است که بدون شک با تورق و تأمل در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» نور حق در روح و جانتان خواهد تابید و شما به اسلام اصیل باز خواهید گشت و آن گاه به غربت امام مهدی علیه السلام پی خواهید برد.

این ندای نورانی و کلام روح بخش را فراموش نکنیم که:

«آرامشِ شب‌ها و خرمیِ روزهای تو مهدیست.

شادیِ ماندگار و شیرینیِ روزگارِ تو مهدیست.

خوش‌بختیِ دنیا و رستگاریِ آخرت تو مهدیست.

پس چه چیزی تو را از او باز داشته است؟!

یا چه کسی تو را از او بی‌نیاز کرده است؟!...»

(پایگاه اطلاع رسانی، گفتار ۱)

پس تا نفسی هست یکدیگر را برای آوردنش خبر کنیم؛ چراکه تنها راه نجات از همه‌ی خطرهای و چالش‌ها و معضلات، مهدی است و تا او بر جامعه حاکم نباشد، کالبد جامعه روح و جانی نخواهد داشت.

ومن الله التوفیق

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. نکته‌ی «نمایشگاه کتاب؛ نمایشگاه غفلت»



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.
لینک مطلب فوق صفحه فیسبوک پایگاه صفحه کانال تلگرام پایگاه